**هو اللّه تعالی شأنه العدل و العطاء**

یا اولیاء اللّه و حزبه امروز نور عدل از ظلم ظالم عالم مستور بل محو شده چه که ضرب قوی از اشقیا بر جسد مبارکش وارد در ارض یا ضوضا مرتفع نفوس مقدّسهٴ مطمئنّه را محض شقاوت و اخذ دراهم اخذ نمودند و بذلّت کبری ایشان را بریسمان بستند و عامّهٴ خلق با زنجیر و سنگ و چوب زدند و نزد مطلع بغی و فحشا و مشرق نفس و هوی نوّاب والا بردند و بعد از اخذ آنچه موجود بود ببدترین عذاب شهید نمودند فرعون عصر بیکی از آن نفوس مبارکه گفته بیا تبرّا کن در جواب گفته من چهل سنه منتظر این یوم بوده‌ام و الحمد للّه الیوم بآن فائز شدم و دیگری در حین عبور امام وجوه ظالمین باینکلمهٴ علیا ناطق : ای قوم سیّد الشهدا فرمود هل من ناصر ینصرنی و این عبد میگوید هل من ناظر ینظرنی مقصودش آنکه آنمظلوم مشتاق شربهٴ شهادت بود نه منتظر ناصر از این کلمه مبارکه عبرات اهل فردوس نازل و زفرات اهل جنّت مرتفع سبحان اللّه این ایّام دو امر عظیم ظاهر از یمین بزم اولیا و از یسار رزم اشقیا و مظلوم عالم یک آیه مطابق ایوان بزم تلاوت مینمود و آیه أخری در ذکر شهداء نازل میفرمود و در این ایّام بشارت کبری در منظر اکبر مذکور و آن صعود یکی از اولیاء بوده برفیق اعلی و افق ابهی تعالی فضله الّذی احاط العالم و الامم و تعالی بیانه الّذی انجذب به الملأ الاعلی و سکّان مقرّ العرش و الثّری الّذی سمّی بعبد اللّه فی کتاب الاسماء نشهد انّه اقبل فی اوّل الایّام الی مولی الانام اذ اعرض عنه اکثر البلاد و نشهد انّه اقرّ بما نطق به لسان العظمة فی سجن عکّاء و قبلها و اعترف باللّه و سلطانه و ظهوره و اقتداره بین العالم و خلقه هو الّذی حمل الشّدائد و البلایا حبّا للّه مولی الاسماء و ورد علیه من الاعداء ما ناح به اهل سرادق العظمة و العفّة فی الفردوس الاعلی نسئل اللّه تبارک و تعالی ان ینزل علیه فی کلّ الاحیان رحمة من عنده و عنایة من لدنه انّه هو العزیز المنّان و نسئله تعالی ان یجعل مقامه فی ظلّ سدرة المنتهی و یسقیه کوثر البقاء من ایادی الفضل و العطاء انّه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الّا هو الفیّاض الفضّال الغفّار العزیز الوهّاب یشهد المظلوم عند ذکره ماج بحر الغفران وهاج عرف عنایة ربّه الرّحمن و نادی المناد من ملکوت البیان یا ملأ الارض اسمعوا ثمّ اعلموا بصعوده و عروجه ابتسم ثغر الملأ الاعلی و اهل خباء المجد فی الجنّة العلیا طوبی لمن یذکره بما نزّل من قلمی الاعلی فی هذا المقام الامنع الاقدس العزیز الابهی نسئل اللّه ان یعزّی ابنائه و اهله و احبّائه و یزیّنهم بطراز الصبّر و الاصطبار انّه هو العزیز المقتدر المختار اولیای آن ارض را سلام میرسانیم و بما یرتفع به مقاماتهم بین العباد وصیّت مینمائیم یا طبیب علیک سلامی و بهائی نسئل اللّه ان یؤیّدک علی ما یحبّ و یرضی و یوفّقک علی ما یقرّبک الیه فی کلّ الاحوال للّه الحمد ذکر شما در ساحت مظلوم بوده و هست امید آنکه از بعد تمسّک نمائی بآنچه که عالم بیان شهادت دهد بر علّو مقام و سمّو آن . جناب میرزا زین العابدین علیه سلام اللّه و عنایته باید در جمیع احوال بحق ناظر باشد للّه الحمد تمام ایّام را بمحبّت حق صرف نمود و بوصف و ثنایش مشغول نسئل اللّه ان یحفظه و یفتح علی وجهه باب عنایته انّه علی کلّ شیء قدیر اولیا طرّا لدی المظلوم مذکورند از برای هر یک میطلبیم آنچه را که سبب فلاح و نجاح است الامر بید اللّه ربّ ما کان و ما یکون انّا للّه و انّا الیه راجعون .